

حکمرانی خوب، کلید توسعه جوامع

نادر بهلولی^۱، قادر خداوردی زاده^۲، بهروز صبحی لکی^۳

^۱استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، Na.bohloli@gmail.com

^۲دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، Kghader@yahoo.com

^۳دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا، Sabuhilaki.behrooz@gmail.com

چکیده

دیدگاه حکمرانی خوب که اخیراً توسط متفکران غربی مطرح شده است، کلید توسعه جوامع را فراهم کردن شرایط و نهادهایی می‌داند که به دولت کمک کند تا از عهده انجام وظایف حاکمیتی و پشتیبانی خود برآید و بتواند زمینه‌ساز رشد بازار و هدایت آن به نفع عامه مردم باشد.

حکمرانی خوب الگوی جدیدی برای توسعه پایدار انسانی است تا به موجب آن جوامع بتوانند از همه توانمندی‌های خود در توسعه همه‌جانبه استفاده کنند. جامعه مدنی مستحکم به همراه دولتی پویا، قوی و توسعه‌خواه می‌تواند زمینه‌های ایجاد حکمرانی خوب و در نتیجه توسعه همه‌جانبه را با کم‌ترین زیان و آسیب ممکن به پیش ببرد.

در این مقاله، به بررسی زمینه‌های شکل‌گیری این رویکرد، تعاریف، ویژگی‌های حکمرانی خوب در زمینه توسعه بیان شده و در پایان به نقدهای وارد شده به این رویکرد نیز اشاره گردیده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، توسعه، جامعه مدنی، دولت مقدمه

حکمرانی مفهوم جدیدی نیست. بلکه قدمت آن به تاریخ تمدن بشری است. معنای ساده حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و فرایندی است که به وسیله آن تصمیمات اجرا می‌شوند (یا نمی‌شوند). حکمرانی در چندین زمینه می‌تواند استفاده شود، مثل: حاکمیت شرکتی، حاکمیت بین المللی، حاکمیت ملی و حاکمیت محلی.

از آنجایی که حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و فرایند اجرای تصمیمات است، تحلیل حکمرانی روی بازیگران رسمی و غیررسمی در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات و ساختارهای رسمی و غیر رسمی، که برای دستیابی به هدفها و اجرای تصمیمات در یک مکان به وجود می‌آیند، متمرکز می‌شود.

دولت یکی از بازیگران حکمرانی است. سایر بازیگران حکمرانی با توجه به وابستگی شان به سطوح مختلف حکومت متفاوت هستند.

تعریف حکمرانی خوب

برای حکمرانی خوب تعاریف گوناگونی ارائه شده است. البته روح حاکم بر همه آنها تفاوت چندانی با هم ندارد. به عبارت دیگر هر کدام از تعاریفی که از این مفهوم بیان شده، بعد با ابعاد خاصی از آن را مورد توجه خود قرار داده و بر مبنای آن به تعریف این مفهوم پرداخته اند.

۱ - نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند. [۱]

۲ - حکمرانی خوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون شفافیت، مسئولیت پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری. [۲]

۳ - راهکارها و فرایندها و نهادهایی که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفا، تعهداتشان را برآورده و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند. [۳]

۴ - بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش ویژگی تعریف می‌کند: "صدا و پاسخگویی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولتی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد. [۴]

۵ - در تعریف دیگری تمرکز اصلی بر شیوه عمل بازیگران رسمی و غیر رسمی است که بر فرایند تصمیم‌گیری و اجرای آن دخالت دارند. [۳]

۶ - تعریف بعدی به مهم‌ترین و کلی‌ترین خصلت نظریه حکمرانی خوب می‌پردازد. در واقع این تعریف بر مبنای همکاری، مشارکت و تعامل سه بخش اصلی جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی اقتصاد و جامعه مدنی در تصمیم‌گیری‌ها و اجرا تاکید دارد. در واقع در حکمرانی خوب این سه رکن به عنوان عناصر اصلی محسوب می‌شود. [۵]

بر این اساس حکمرانی خوب ایجاد نوعی تعادل ساختاری میان بخش‌های جامعه است.